

علل کم توجهی به پروژه های دوره کارشناسی

کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی

در این گزارش، به علل کم توجهی به پروژه های دوره کارشناسی در نظام آموزش عالی کشور، شناسایی میزان شدت و ضعف هر یک از این علل و عوامل و سهم هر یک از عناصر دانشگاهی در این امر پرداخته شده است.

این گزارش که حاصل نظرسنجی به طریق پرسشنامه در بین دانشجویان است، نتایج اطلاعات در خصوص ارزیابی نگرشها در ارتباط با پروژه های کارشناسی و ارزیابی مشکلات مرتبط به دانشجویان، استادان و سیستم آموزش کشور را به تصویر کشیده است.

تعریف موضوع تحقیق	صورت گرفته است. بدیهی	طراحی و تحقیق برای
همان طور که از عنوان این	است که پروژه دوره	دانشجو به همراه داشته
طرح مشهود است این	کارشناسی که باید تصویری	باشد، در عمل چنین تأثیراتی
بررسی به منظور شناسایی	از ارتباط منطقی دروس	نداشته و اساساً وجود چنین
علل کم توجهی به پروژه	کارشناسی با یکدیگر ارائه	معضلی انجام این بررسی را
های دوره کارشناسی در	نماید و تجربیات علمی و	ضروری کرده است.
نظام آموزش عالی کشور	عملی در اموری همچون	

با یک نگاه کلی می توان علل کم توجهی به پروژه های دوره کارشناسی را مربوط به یکی از عوامل زیر دانست:

1. دانشجو — دوره کارشناسی به عنوان «انجام دهنده پروژه»؛

2. استاد پروژه به عنوان «ناظر، راهنما و هدایتگر» دانشجو؛

3. «دستگاه آموزش عالی» به عنوان ارائه دهنده خدمات آموزشی و پژوهشی به دانشجویان

این تحقیق علل کم توجهی به پروژه را عوامل فوق از دیدگاه دانشگاه دانشجویان کارشناسی ارشد - به عنوان معیاری روشن و نمونه ای دقیق از جامعه دانشجویانی که پروژه های مربوط به خود را گذرانده اند - مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

اهداف تحقیق

اهداف کلی بررسی اولاً شناسایی علل کم توجهی، ثانیاً شناسایی میزان شدت و ضعف هر یک از این علل و عوامل، و ثالثاً شناسایی سهم هر یک از عناصر دانشگاهی در کم توجهی به پروژه های دوره کارشناسی است.

شیوه ارزیابی. در این تحقیق اهداف فوق از دو دیدگاه مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است.

1. ارزیابی نگرشها. هر گاه نگرشها و دیدگاههای جامعه مورد بررسی از موضوعی در مجموع مثبت تلقی شود و به عنوان یک باور عمیق قلبی در اکثریت افراد جامعه نقش بسته باشد، رشد، پویایی و گسترش آن موضوع قطعی است. بنابراین، کم توجهی و

بی انگیزگی در انجام پروژه می تواند به عدم نگرش صحیح به پروژه و اثرات آن برگردد و «ارزیابی نگرش پاسخگویان» به عنوان انجام دهندگان پروژه به عنوان یکی از محورهای تحلیل در این بررسی قرار گرفته است.

2. ارزیابی موانع و

مشکلات. وجود موانع و مشکلات متعدد، گاهی افراد دارای انگیزه را نیز در انجام فعالیتی دلسرد می نماید و نهایتاً باعث کم توجهی خواهد شد. در نتیجه علل کم توجهی می تواند به پروژه و موانع و مشکلات انجام پروژه برگردد. «ارزیابی مشکلات پاسخگویان» در راه انجام پروژه نیز به عنوان محور دیگر تحلیل در این بررسی قرار گرفته است.

روش انجام تحقیق

بررسی حاضر از نوع تحقیق «علی یا پس از وقوع» بوده که به روش «پیمایش» صورت گرفته است. بدین ترتیب که با تعریف جامعه آماری و انتخاب نمونه ای از آن، جمع آوری اطلاعات انجام شده است.

روش جمع آوری

اطلاعات. جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه صورت گرفته و تکمیل آن به عهده پرسشگران آموزش دیده بوده است.

جامعه آماری. جامعه

آماري مورد نظر در این طرح دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاههای تهران در گروههای آموزشی فنی و مهندسی، هنر و کشاورزی بوده اند.

روش نمونه گیری

با توجه به اهداف تحقیق و نیز با توجه به واریانس زیاد متغیرها و عوامل مورد بررسی به ویژه در سه گروه آموزشی در سطح دانشگاههای تهران، گروه تحقیق بهترین شیوه نمونه گیری را که از لحاظ صرفه جویی اقتصادی و هزینه فرصت نیز منطقی بوده روش نمونه گیری سهمیه ای⁽¹⁾ تشخیص داد.

با انتخاب این روش ابتدا سعی گردید ساختار نمونه مشابه ساختار جامعه مورد بررسی باشد و بدین منظور سه گروه آموزشی فنی - مهندسی، کشاورزی و هنر که به نحوی در مقطع کارشناسی ملزم به گذراندن پروژه نیز هستند تفکیک گردید و سپس متناسب با حجم هر یک، با استناد به آمار و اطلاعات مندرج در کتاب آمار آموزش عالی

ایران⁽²⁾ سهمیه ای با نسبت

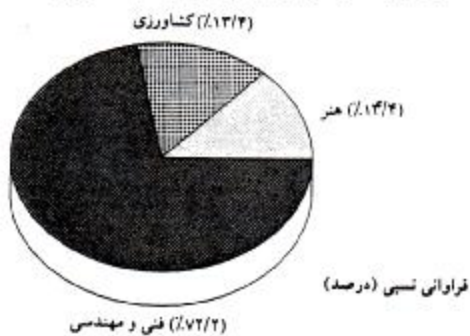
$\frac{1}{20}$ برای گروه فنی و مهندسی و $\frac{1}{10}$ برای گروه کشاورزی و $\frac{1}{10}$ برای گروه هنر در نظر گرفته شد.

در نتیجه، از حجم نمونه برآورده شده (200 نفر) تعداد 187 پرسشنامه تکمیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

متغیرهای مستقل و

وابسته. متغیر مستقل این بررسی «گروه آموزشی» پاسـخـگـویان اسـت. پاسـخـگـویان در دوره کارشناسی و همچنین کارشناسی ارشد در گروههای «فنی و مهندسی»، و «هنر» و «کشاورزی» مشغول به تحصیل بوده و هستند. و متغیرهای وابسته عبارتند از: «نگرشها» و «مشکلات».

نمودار ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب گروههای آموزشی دوره کارشناسی ارشد



مقطع کارشناسی ارشد انتخاب گردیده است.

مشخصات پاسخگویان

93 درصد پاسخگویان مرد و 7 درصد زن هستند.

61 درصد از

پاسخگویان از 23 تا 26

سال و تنها 16 درصد بیش

از 30 سال دارند. جوان

بودن نسبی پاسخگویان

نشان دهنده آن است که

تقریباً اکثریت پاسخگویان

بودن وقفه یا با فاصله اندکی

از مقطع متوسطه به

کارشناسی و از مقطع

کارشناسی به کارشناسی

ارشد راه یافته اند.

72 درصد از پاسخگویان

مجرد و 28 درصد متأهل

هستند.

مشخصات کلیه فارق

التحصیلان دوره کارشناسی

در دستگاههای گسترده

اجرایی و مؤسسات و

شرکتهای تابعه و نیز در

بخش خصوصی وجود

داشت، مهمترین محدودیت

این بررسی عدم دسترسی

به فارغ التحصیلان دوره

کارشناسی به عنوان یک

جامعه آماری کامل و همگن

بوده است. لذا با توجه به این

واقعیت که دانشجویان دوره

کارشناسی ارشد اغلب از

دانشجویان ممتاز دوره های

کارشناسی بوده و در نتیجه

بررسی دیدگاههای آنان می

تواند مبنای قابل قبولی برای

انتخاب حجم نمونه باشد،

جامعه نمونه از دانشجویان

روشهای آماری. روش

آماري عمومي در تمامي

جداول «فراوانی و درصد»

است. در جداول تقاطعی

برای حصول اطمینان از

معناداری از دو روش

ضریب همبستگی و آزمون

«مربع کای»⁽³⁾ استفاده شده

است. و در نتیجه جداول

تقاطع ا ارائه شده در این

گزارش، دارای سطح معنی

داری بالایی هستند.

برای سنجش نگرش

پاسخگویان در ارتباط با

شدت و ضعف تأثیرات انجام

پروژه، با استفاده از مقیاس

فاصله ای (ارائه طیفی از

دیدگاههای مختلف) و

محاسبه امتیازها به روش

«مجموع نمرات» نگرشهای

پاسخگویان طبقه بندی

گردیده است.

محدودیتهای تحقیق. از

آنجا که مشکلات فراوانی در

دسترسی به آمار و

43 - درصد از پاسخگویان اظهار داشته اند که شاغل نیستند (در اینجا تعریف شغل، انجام هر نوع کاری در حین تحصیل به منظور داشتن درآمد است)، 9 درصد پاسخگویان نیز فقط به «کار نیمه وقت»، بدون ذکر نوع کار، اشاره نموده‌اند.

72/2 - درصد پاسخگویان در گروه فنی و مهندسی مشغول به تحصیل هستند. 14/4 درصد در گروه هنر 13/4 درصد در گروه کشاورزی تحصیل می‌کنند. در این بررسی گروه آموزشی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است (نمودار شماره 1).

تجزیه و تحلیل اطلاعات «بر حسب کل پاسخگویان»

الف. ارزیابی نگرشها

در ارتباط با ارزیابی نگرشها، سه مطلب اساسی در پرسشنامه از پاسخگویان سوال شد.

اول: نوع تأثیرات پروژه در قابلیت‌های دانشجویان؛

دوم: شدت و ضعف تأثیرات پروژه بر روی دانشجویان؛

سوم: ارجحیت گذراندن پروژه در دوره کارشناسی یا جایگزینی درس با آن.

در مورد نوع تأثیرات پروژه در قابلیت‌های دانشجویان، اکثریت پاسخگویان (90 درصد) به

انواع تأثیرات مثبت پروژه همچون تجربه عملی در

زمینه درس، مهارت در زمینه کار، «آشنایی با محیط کار، آشنایی با زمینه

کار آینده» «ایجاد اعتماد به نفس و روحیه برخورد با مشکلات» و... اشاره نموده

اند. و فقط 3 درصد پاسخگویان این نکته را که «پروژه تأثیر چندانی در

قابلیت‌های دانشجویان ندارد»، ذکر نموده اند.

نگرش پاسخگویان در مورد شدت و ضعف تأثیرات

پروژه بدین صورت بوده است که، حدود 14 درصد

«تأثیرات ضعیفی» برای پروژه قائل بوده اند در حالی که 45/5 درصد آنان به

«تأثیرات متعادل» و 38 درصد دیگر به «تأثیرات قوی» پروژه اعتقاد دارند. در

مجموع بیش از 80 درصد پاسخگویان در مورد پروژه اعتقاد به تأثیرات «متعادل» دارند.

از سوی دیگر در مورد ارجحیت گذراندن پروژه در

دوره کارشناسی یا جایگزینی درس با آن، حدود 61 درصد از پاسخگویان به

صورت مطلق اظهار داشته اند که «بهتر است پروژه را بگذرانند»، 33 درصد

پاسخگویان نیز «به صورت مشروط با گذراندن پروژه موافق بوده اند» و فقط 4

درصد پاسخگویان به صورت مطلق یا مشروط اظهار داشته اند که «بهتر است درس جایگزین گردد» (نمودار شماره 4).

تقاطع جداول اطلاعات سه سوال فوق نشان دهنده آن است که پاسخگویی که در مورد نوع تأثیرات پروژه در قابلیت‌های دانشجویان قائل به «تأثیر نه چندان مثبت پروژه بر قابلیت‌های دانشجوی» هستند، به نسبت بیشتر همان افرادی هستند که در مورد شدت و شغف تأثیرات پروژه، به «تأثیرات ضعیف» معتقدند و نیز پاسخگویی که معتقدند پروژه «تأثیر چندان مثبتی بر قابلیت‌های دانشجوی» ندارد. در مورد ارجحیت گذراندن پروژه در دوره کارشناسی یا جایگزین دسرس با آن به «بهتر است درس جایگزین گردد» اشاره داشته اند. و همان گونه که ذکر شد این پاسخگویان درصد کمی از کل

پاسخگویان را تشکیل می دهند. از سوی دیگر در مورد علل کم توجهی سایر دانشجویان به پروژه مواردی ذکر شده است که تعدادی از آنها به مشکلات «انگیزشی و نگرشی» دانشجویان اختصاص دارد. حدود 13 درصد پاسخها به مورد «صرفاً برای گرفتن مدرک به دانشگاه آمده اند»، 8 درصد به «خستگی و سرخوردگی از طولانی شدن تحصیل و عدم علاقه به رشته تحصیلی» و حدود 8 درصد نیز به «ندانستن اثرات واقعی پروژه از سوی دانشجویان» اختصاص دارد. این ارقام نشان دهنده آن است که از دیدگاه پاسخگویان درصد کمی از دانشجویان دارای مشکل نگرشی راجع به خود پروژه هستند که به صورت ندانستن اثرات واقعی پروژه بیان شده است، و علت عمده مشکلات انگیزشی و نگرشی

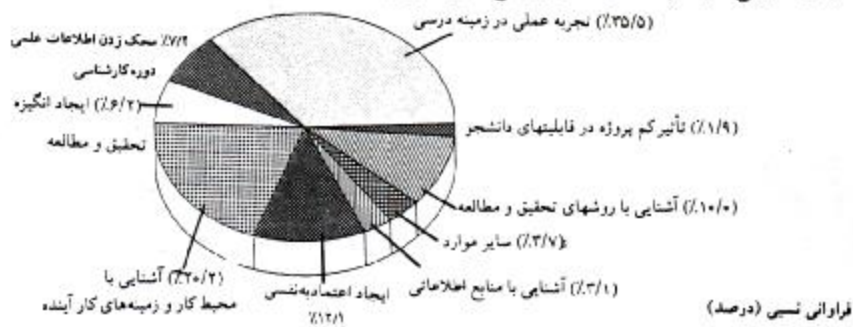
دانشجویان به اصل مسأله تحصیل آنان ارتباط پیدا می کند که اثرات آن به طور خاص گذراندن پروژه را هم در بر می گیرد. به عبارت دیگر اگر دانشجویان صرفاً برای گرفتن مدرک به دانشگاه بیایند و از طولانی شدن مدت تحصیل دچار خستگی و سرخوردگی شده باشند و نیز به رشته تحصیلی خود بی علاقه باشند، آثار بی انگیزه بودن و نگرش ناصحیح آنها در تمام مدت تحصیل بر تمامی دروس از جمله پروژه سایه افکند. بنابراین اگر از دیدگاه پاسخگویان سایر دانشجویان دارای مشکل نگرشی و انگیزشی بوده اند به طور خاص مربوط به پروژه نیست بلکه می توان اظهار داشت که در مجموع مشکلات نگرشی راجع به اصل مسأله پروژه درصد بسیار کمی از دانشجویان را شامل می گردد.

با توجه به مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که مسأله نگرش غیر صحیح به پروژه در درصد بسیاری کمی از دانشجویان وجود دارد و نمی تواند از علل عمده و اصلی کم توجهی به پروژه از سوی دانشجویان باشد. بدین صورت ملاحظه می شود که مشکلات نگرشی مرتبط با پروژه، عامل تعیین کننده ای در کم توجهی آنان نیست و برای ریشه یابی علل کم توجهی باید به دنبال ارزیابی مشکلات بود.

(نمودارهای شماره 2 و 3 و 4)

ب. ارزیابی مشکلات
بیش از 87 درصد پاسخگویان اظهار داشته اند که در راه انجام پروژه با مشکلاتی رو به رو بوده اند. در مورد نحوه مواجهه دانشجویان با پروژه، 43 درصد پاسخگویان به مورد «اغلب درصد رفع تکلیف و

نمودار 2. توزیع نظرات پاسخگویان در مورد نوع تأثیرات پروژه در قابلیت های دانشجویان



گرفتن نمره هستند و تعداد کمی درصد انجام کیفی پروژه هستند» و حدود 18 درصد به مورد «بعضی خوب و جدی و با علاقه برخورد می کنند نمره هستند» اشاره داشته اند. همچنین 5 درصد پاسخگویان در این زمینه اظهار داشته اند «دانشجویان اغلب با علاقه فراوان و جدیت پروژه ها را شروع می کنند ولی در حین انجام پروژه به دلیل وجود مشکلات مجبور به رفع تکلیف می گردند».

بدین ترتیب مشخص می گردد که درصد زیادی از پاسخگویان و نیز سایر دانشجویان (از دیدگاه پاسخگویان) دارای مشکلاتی

در انجام پروژه هستند. این مشکلات هم به نوبه خود می تواند به سیستم آموزشی، اساتید و یا به خود دانشجویان برگردد که به شرح ذیل می توان ارزیابی نمود:

1. مشکلات مربوط به

دانشجویان

حدود 5 درصد از مشکلات مطرح شده از سوی پاسخگویان مربوط به خود ایشان است که به موارد عدم توانایی های لازم برای انجام پروژه (زبان، کامپیوترضعف علمی و...) و «ندانستن روش های مدیریت پروژه» اختصاص دارد.

در مورد علل این دو مشکل محورهای ذیل را می توان

جمع بندی نمود: ضعف کلی یادگیری زبان از دوره متوسطه تا آخر دانشگاه؛

انتظار بیش از حد استادان که توقع دارند دانشجوی به یک زبان برنامه نویسی کاملاً مسلط باشد؛

عدم تسلط استاد به موضوع پروژه و عدم راهنمایی لازم از سوی وی؛

عدم ارائه درسی با عنوان روشهای تحقیق در دانشگاه (برای تمامی رشته های

تحصیلی) که در آن روشهای استفاده از منابع اطلاعاتی، جمع آوری اطلاعات و... آموزش داده شود.

همچنین در مورد علل کم توجهی دانشجویان به پروژه از سوی پاسخگویان

مشکلاتی مانند کم توانی و بنیه علمی دانشجویان» (9) درصد پاسخها) و «مشکلات خانوادگی و اجتماعی دانشجویان»

(حدود 2/5 درصد پاسخها) ذکر گردیده است.

نتیجه آنکه مشکل کم توانی و بنیه علمی دانشجویان و ندانستن روشهای مدیریت پروژه» یکی از مشکلاتی است که باعث می شود دانشجویان آن چنان که باید و شاید نتوانند به پروژه بپردازند.

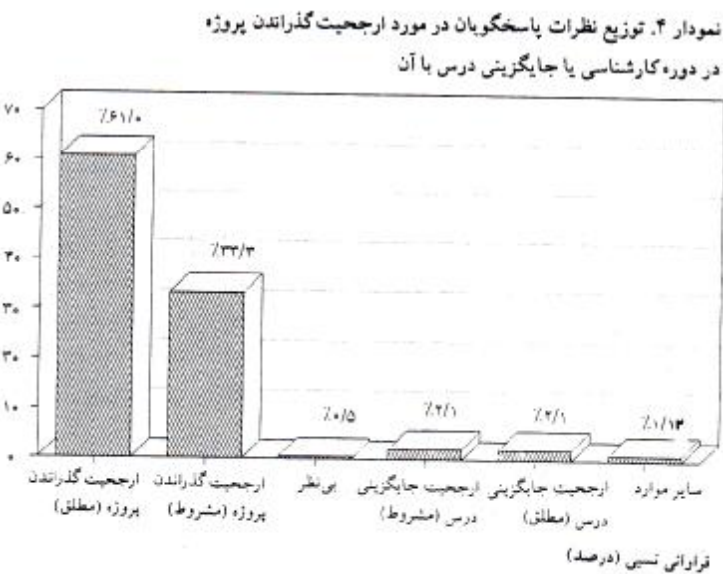
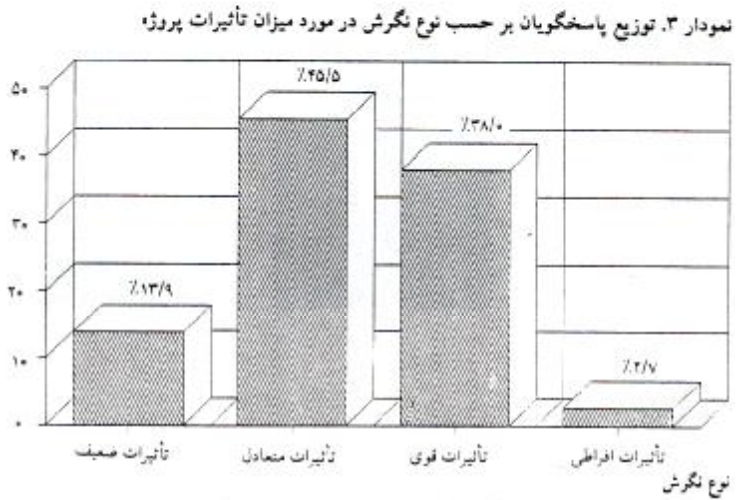
2. مشکلات مربوط به

استادان

در زمینه مشکلات پاسخگویان در راه انجام پروژه، 15 درصد مشکلات ذکر شده (از سوی 38 درصد پاسخگویان) به «عدم همکاری و راهنمایی لازم از سوی استاد پروژه» اشاره داشته است.

اظهارات پاسخگویان در مورد علل کم توجهی سایر دانشجویان نیز نشان دهنده آن است که بیش از 12 درصد علل ذکر شده (از

سوی 30 درصد پاسخگویان) به مشکل «عدم راهنمایی و همکاری استادان پروژه» اختصاص دارد. در مورد نحوه همکاری و وقت گذاری استاد پروژه 30 درصد پاسخگویان اظهار داشته اند که «استاد پروژه شان یا تا حد کمی همکاری و راهنمایی داشته است و یا اصلاً همکاری و راهنمایی نداشته است» و این در حالی است که 31 درصد پاسخگویان نیز اظهار داشته اند استاد پروژه «تا حدودی همکاری و راهنمایی داشته است» و فقط 37 درصد پاسخگویان با ذکر این مطلب که «استاد پروژه شان کاملاً یا تا حد زیادی همکاری و راهنمایی داشته است»، از نحوه همکاری استاد پروژه رضایت داشته اند. در مورد نحوه همکاری سایر استادان پروژه گروه یا دانشکده در نظریات پاسخگویان تقریباً همین روال وجود دارد.



کافی را برای راهنمایی دانشجو اختصاص می دهند» یا «در حدی که لازم باشد برای راهنمایی در پروژه وقت می گذارند» اشاره نموده اند.

نتیجه آنکه عدم همکاری و راهنمایی استادان پروژه حداقل برای حدود $\frac{1}{4}$

پاسخگویان به طور جدی مشکل ساز بوده است و این مسأله حدود 15 درصد کل مشکلات پاسخگویان را در ارتباط با پروژه تشکیل داده است.

نکته قابل توجه آن است که پاسخگویانی که استاد پروژه با ایشان «همکاری کمی» داشته است، به نسبت، بیشتر افرادی هستند

که «وقت کمتری صرف انجام کیفی پروژه» نموده اند و به همین نسبت از درصد «موفقیت کمتری در انجام کیفی پروژه» برخوردار بوده اند با توجه به این نکته می

کارشناسی اهمیت نمی دهند». حدود 48 درصد پاسخگویان در این زمینه به «تا حدی که وقتشان اقتضا کند همکاری می کنند» و 25 درصد دیگر نیز به موارد «استادان دلسوزانه وقت

حدود 25 درصد پاسخگویان اعتقادشان بر این است که استادان نوعاً توجه زیادی به هدایت و راهنمایی دانشجو و مسائل مربوط به پروژه ندارند» یا «اصلاً به مسأله پروژه دوره

توان اظهار داشت که میزان همکاری با عدم همکاری استاد پروژه در توجه و دلگرمی دانشجو جهت وقت گذاشتن روی مسأله پروژه و نیز میزان موفقیت دانشجو مؤثر است.

از علل عمده ای که پاسخگویان در مورد «عدم همکاری و راهنمایی استادان پروژه» در سؤالهای مختلف ذکر کرده اند می توان به موارد ذیل اشاره است:

مشاغل متعدد و فراوان استادان؛

ضعفهای علمی و عملی استادان در ارتباط با موضوع پروژه؛

تعداد دانشجویان و مراجعین زیاد بعضی اط استادان؛

عدم تأمین مالی استادان پروژه؛

خودداری از در اختیار گذاشتن اطلاعات از سوی بعضی از استادان

3. مشکلات مربوط به سیستم آموزشی

$\frac{2}{3}$ مشکلات پاسخگویان

در راه انجام پروژه مشکلاتی هستند که به نوعی به سیستم آموزشی مربوط می شود. اهم این مشکلات عبارتند از، «کمبود امکانات و ابزار و... (آزمایشگاه، کارگاه و...)» با 23 درصد، «کمبود منابع اطلاعاتی» با حدود 22 درصد، «عدم تأمین هزینه پروژه از سوی دانشگاه» با حدود 14 درصد، «عدم هماهنگی و همکاری بخشهای مختلف دانشگاه» (که به نوعی با پروژه سر و کار دارند) با حدود 5 درصد. از سوی دیگر در ارتباط با علل کم توجهی دانشجویان به پروژه، حدود 43 درصد علل ذکر شده، مشکلات مربوط به سیستم آموزشی است که از آن جمله می توان به، «مشکلات مربوط به درس پروژه (وقت گیر بودن

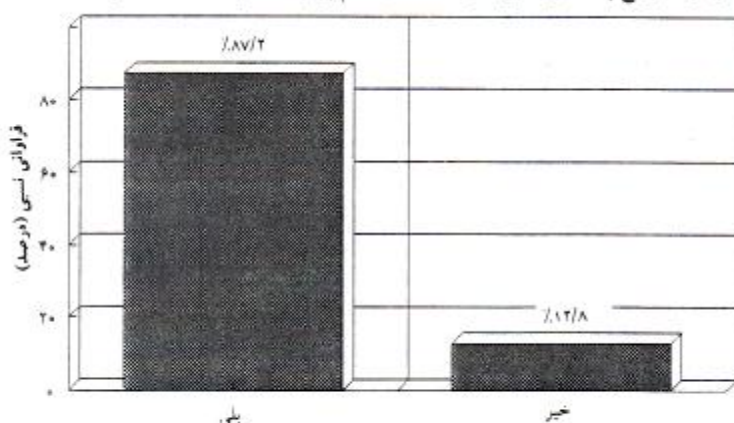
پروژه، کمبود پروژه های تعریف شده، عدم انطباق موضوع پروژه با نیازهای واقعی جامعه، کمبود پروژه های مورد علاقه و...) با 19 درصد، «کمبود امکانات و اطلاعات و عدم تأمین هزینه پروژه» با 18 درصد و «مشکلات اداری در دستگاههای آموزشی و اجرایی که مرتبط با موضوع پروژه هستند (دانشگاه، صنعت و...)» با حدود 5 درصد، اشاره داشت.

از سوی پاسخگویان در ارتباط با هر یک از مشکلاتی که به سیستم آموزشی بر می گردد، عللی ذکر شده که مهمترین آنها به شرح ذیل است:

عدم اختصاص بودجه کافی به دانشگاهها در امر تحقیقات؛

عدم برنامه ریزی و مدیریت صحیح در صرف اعتبارات تحقیقاتی در دانشگاهها؛

نمودار 5. توزیع پاسخگویان بر حسب اینکه در انجام پروژه مشکلی داشته‌اند یا خیر؟



عدم برنامه ریزی صحیح در تخصیص امکانات موجود در دانشگاهها به دانشجویان؛ عدم همکاری سایر مراکزی که به نوعی می توانند اطلاعات یا امکاناتی در اختیار دانشجویان بگذارند؛ مشکلات اقتصادی جامعه و وجود مشکلات در تهیه امکانات و منابع اطلاعاتی؛ کثرت دانشجویان نسبت به امکانات و منابع اطلاعاتی؛ نا صحیح بودن نظام آموزش عالی.

در مجموع مشکلاتی که به سیستم آموزشی ارتباط پیدا می کند به دو بخش عمده تقسیم می شود:

1. مشکلات درونی. که به درون نظام آموزش عالی بر میگردد.

2. مشکلات بیرونی. که علاوه بر نظام آموزش عالی، به سایر مراجع تصمیم گیری کشور مرتبط است.

مشکلات درونی.

مشکلات درونی نظام آموزشی عبارتند از:

1. «مشکلات مربوط به درس پروژه» مانند: کمی وقت برای انجام پروژه به خاطر همزمان بودن با گذراندن سایر دروس، عدم انطباق موضوع پروژه با نیازهای واقعی جامعه، عدم علاقه دانشجویان به موضوع پروژه، (در ارتباط با نحوه ارائه پروژه) عدم به کارگیری نتایج حاصله از پروژه؛

2. تخصیص ناصحیح امکانات و منابع اطلاعاتی

موجود و همچنین صرف ناصحیح اعتبارات؛ 3. مشکلات اداری موجود در داخل مجموعه دانشگاهها. که همگی به عدم برنامه ریزی و مدیریت صحیح یا عدم نظارت کنترل در درون نظام آموزشی برمی گردد.

مشکلات بیرونی. مشکلات که به مجموعه نظام آموزشی در ارتباط با سایر مراجع و مراکز تصمیم گیری بر می گردد:

1. کمبود اعتبارات تخصیص یافته به مسأله تحقیقات در دانشگاهها به

خصوص پروژۀ دوره کارشناسی؛

2. کمبود امکانات و ابزار و وسایل، کمبود منابع اطلاعاتی و مشکلات موجود در تهیه آنها با توجه به شرایط اقتصادی موجود کشور؛

3. ضعف ارتباط با دانشگاهها با صنعت و سایر مراکز تحقیقاتی و اطلاعاتی و اطلاعی رسانی.

مشکلات فوق بعضاً مشکلات اساسی و قابل تأمل در مجموعه مشکلات نظام آموزش عالی هستند.

نبود استراتژی مشخص در نحوه ارتباط دانشگاهها با صنعت و سایر مراکز تحقیقاتی و اطلاع رسانی در کشور مسأله ای مهمی است که باید مراجع تصمیم گیری در آموزش عالی کشور مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

به طور خلاصه، در یک جمع بندی می توان اظهار

داشت اهم دلایل پاسخگویان در ارتباط با علل کم توجهی دانشجویان به مشکلات و موانع بر می گردد و نه به نگرشها. اگر مشکلات انگیزشی و نگرشی هم در بعضی از دانشجویان درباره اصل مسأله تحصیل وجود داشته باشد و بخشی از علل کم توجهی آنان را تشکیل دهد، این مشکلات موجود در راه انجام پروژه هستند که این پروژه را تشدید می نمایند. (نمودارهای شماره 5 و 6 و 7 و 8)

تجزیه و تحلیل اطلاعات بر حسب گروههای آموزشی

1. گروه هنر

الف. ارزیابی نگرشها. در زمینه نگرش به پروژه پاسخگویان گروه هنر در مجموع نسبت به سایر گروهها دارای نگرش ضعیفتری بوده اند. بدین

ترتیب که به نسبت سایر گروهها بیشتر معتقد به «تأثیرات شعیف پروژه» بوده اند و به همین روال بیشتر اظهار نموده اند که بهتر است درس جایگزین پروژه گردد.

ب. ارزیابی نگرشها. پاسخگویان گروه هنر به نسبت سایر گروهها بیشتر دارای مشکل در حین انجام پروژه بوده اند. در ارتباط با نوع مشکل پاسخگویان این گروه نسبت بیشتر به مواردی چون «کمبود منابع اطلاعاتی»، «ممانعت از ورود منابع خارجی در بعضی از رشته ها» «عدم تأمین هزینه پروژه از سوی دانشگاه»، «نداشتن روشهای مدیریت پروژه» اشاره نموده اند.

در مورد نحوه برخورد دانشجویان با پروژه پاسخگویان گروه هنر نسبت به سایر موارد، بیشتر به این مورد که «دانشجویان اغلب

با علاقه و جدیت پروژه را شروع می نمایند ولی در حین انجام آن به علت مواجهه با مشکلات مجبور به رفع تکلیف می گردند» اشاره نموده اند.

در مورد علل کم توجهی دانشجویان به پروژه، پاسخگویان این گروه نسبت به سایر گروهها، بیشتر به مواردی نظیر «اهمیت ندادن به امر تحقیق از سوی سیستم آموزشی»، «مشکلات اداری در دستگاه آموزشی»، «کم توانی بنیة علمی دانشجو» اشاره نموده اند.

در مورد نحوه وقت گذاری اساتید این گروه نسبت به سایر گروهها خوشبین تر بوده اند و بیشتر اعتقاد به «همکاری اساتید تا حد زیاد» داشته اند.

2. گروه فنی و مهندسی

الف. ارزیابی نگرشها. در مجموع می توان اظهار داشت که پاسخگویان گروه

فنی و مهندسی در زمینه نگرش به پروژه، دید مثبت تر و منطقی تری نسبت به سایر گروهها دارند. زیرا در زمینه نوع تأثیرات پروژه قائل به تأثیر مثبت آن بوده اند و مواردی نظیر «تجربه عملی در زمینه درس و مهارت در زمینه کار» را بیان نموده اند و در مورد شدت و ضعف تأثیرات پروژه، بیشتر به تأثیرات متعادل و منطقی پروژه بوده اند و در نهایت بیشتر اعتقاد داشته اند که روال فعلی، یعنی گذراندن پروژه نسبت به جایگزین کردن درس یا دروس ارجح تر است.

ب. ارزیابی مشکلات. پاسخگویان این گروه نسبت به گروه کشاورزی بیشتر و نسبت به گروه هنر کمتر دارای مشکلات بوده اند.

اهم مشکلاتی که بیشتر توسط این گروه بیان شده عبارت است از «کمبود

امکانات، ابزارآلات و وسایل آزمایشگاهی و کارگاهی»، عدم هماهنگی بین دانشگاه و صنعت» و «کمبود وقت برای انجام پروژه».

در مورد نحوه مواجهه دانشجویان با پروژه، پاسخگویان این گروه به نسبت بیشتر از سایر گروهها معتقد به موردی بودن این مسئله بوده اند و بیان نموده اند که «بعضی از دانشجویان خوب و جدی و بعضی دیگر درصد رفع تکلیف هستند». در مورد علل کم توجهی دانشجویان نسبت به پروژه بیشتر مشکلات را جزو عوامل اساسی بر شمرده اند. در مورد نحوه اختصاص وقت اساتید پاسخگویان این گروه نسبت به سایر موارد، بیشتر قائل به «همکاری کم اساتید و عدم اختصاص وقت لازم از سوی آنها» بوده اند.

3. گروه کشاورزی

الف. ارزیابی نگرشها. در مورد شدت و ضعف تأثیرات پروژه پاسخگویان این گروه نسبت به سایر گروهها، بیشتر قائل به تأثیرات قوی پروژه بوده اند. در مورد گذراندن پروژه یا جایگزینی آن با درس دیگر، پاسخگویان این گروه با ذکر شرایطی بیشتر قائل به ارجحیت گذراندن پروژه» بوده اند.

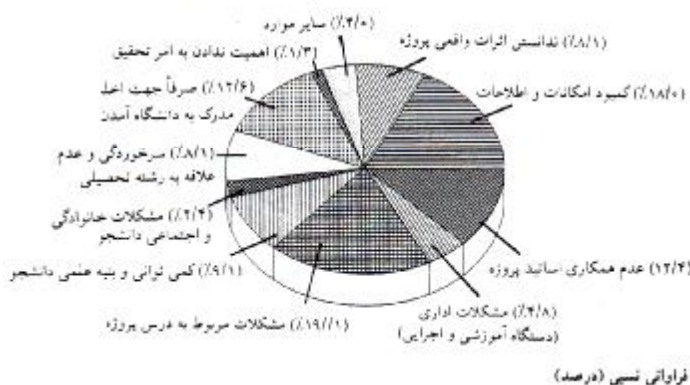
ب. ارزیابی مشکلات. پاسخگویان این گروه نسبت به سایر گروهها مشکلات کمتری در راه انجام پروژه داشته اند و مهمترین مشکل ذکر شده از سوی این گروه بیشتر «عدم همکاری راهنمایی لازم اساتید پروژه» بوده است.

در مورد نحوه وقت گذاری اساتید پروژه، پاسخگویان این گروه نسبت به سایر گروهها بدبین تر بوده اند و

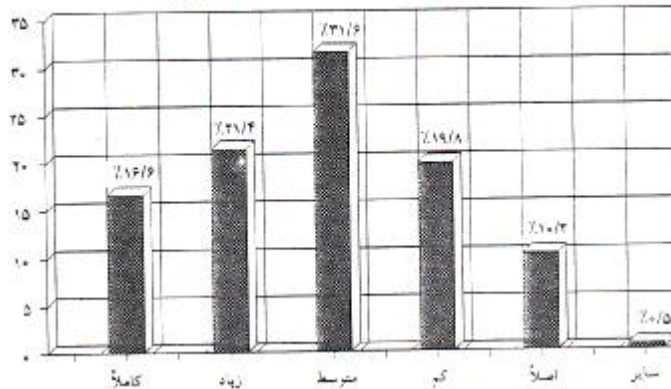
نمودار 6. توزیع اظهارات پاسخگویانی که در انجام پروژه مشکل داشته اند در مورد نوع مشکلات



نمودار 7. توزیع اظهارات پاسخگویان در مورد علل کم توجهی دانشجویان به پروژه



نمودار 8. توزیع اظهارات پاسخگویان در مورد میزان همکاری اساتید پروژه



بیشتر ابراز نموده اند که اساتید پروژه «اصلاً همکاری نداشته و وقت لازم را اختصاص نمی دهند».

در مجموع مشکلات اساسی پاسخگویان این گروه بیشتر مسأله عدم همکاری اساتید پروژه بوده است.